

گفت‌وگو با داریوش آشوری | زبان فارسی در مواجهه با موسیقی

آرش احمدزاده

ahmadzadeh.arash@yahoo.com

افزایش تقاضا برای یادگیری موسیقی در چند دهه اخیر منجر به ترجمه و تألیف کتاب‌های متعددی در این حوزه شده است. به تبع آن انتخاب واژگان و املاء آن‌ها برای مترجمان و نویسندگان موسیقی به دغدغه‌ای جدی بدل شده است. این مهم تا به امروز موضوع گفت‌وگوی بسیاری از استادان موسیقی بوده است. با این حال، در برخی موارد، رویکرد ناآگاهانه در این امر موجب هنجارشکنی نگارشی و تاریخی در زبان فارسی شده است. از این رو در این گفت‌وگو با داریوش آشوری (زاده ۱۳۱۷ در تهران) نویسنده، اندیشمند، زبان‌شناس و مترجم، به سؤال‌های پرتکرار اهالی موسیقی در این باره می‌پردازیم. آشوری در قلمروی علوم اجتماعی و فلسفه مدرن، از نظر دامنه واژگان و بهبود سبک نگارش به زبان فارسی کمک بسیاری کرده است. آشوری در آثار خود واژگان نو ترکیبی چون گفت‌مان، همه‌پرسی، آرمان‌شهر، رهیافت، هرزه‌نگاری، درس‌گفتار و مانند آن را به کار برد که پیش از این معادلی برای‌شان در زبان فارسی وجود نداشت.

معادل‌سازی کلمات تخصصی موسیقی به زبان فارسی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ (مانند ترابلمان یا تریل که در فارسی غلت ترجمه شده است)

+داریوش آشوری: ترجمه و معادل‌سازی این کلمات به زمینه و رشته زبان مبدأ وابسته است و باید توجه داشت که این کلمات در کدام فضای فرهنگی وارد خواهند شد. ترجمه این کلمات حکم‌های باید یا نباید بر نمی‌دارد و برحسب نیاز باید صورت پذیرند تا بتوانند در ساختار زبان به خوبی جذب شوند. در فرهنگ و تمدن اروپایی، وام‌گیری کلمات امری جاافتاده است؛ مانند بسیاری از واژگانی که از زبان ایتالیایی که فرهنگی پیشرو در موسیقی قلمداد می‌شود، وارد زبان انگلیسی یا فرانسوی شده‌اند؛ اما باید توجه داشت که وام‌گیری بیش از اندازه، پویایی زبان را از بین می‌برد.

من برای تألیف کتاب فرهنگ علوم انسانی، و سه ویراست آن، بیش از پنجاه سال زمان صرف کرده‌ام. واژه‌گزینی، برخلاف تصور برخی، امری بسیاری دشوار است. عقیده عمومی در دوران جوانی ما بر این بود که زبان فارسی قادر است ترجمه مناسبی برای تمامی اصطلاحات پیدا کند و ما هم باید پیدا کنیم و گرنه زبان مادری ما مورد هجوم و تجاوز زبان بیگانه قرار می‌گیرد؛ اما در موقعیت‌های بسیاری، برای مثال در حوزه علوم طبیعی تلاش برای ترجمه برخی کلمات تقریباً غیرممکن است؛ اما مسئله اصلی موضوع دیگری است؛ باید از خودمان بپرسیم چرا غربی‌ها آن قدر در زمینه علوم طبیعی و یا حتی در زمینه علوم اجتماعی معادل‌سازی نمی‌کنند؟ مثلاً در زبان فرانسوی فقط از

کلمات فرانسوی استفاده نمی‌کنند و باید بررسی کرد که چرا اروپایی‌ها در امر واژه‌سازی در علوم طبیعی از واژگان لاتین بهره می‌گیرند. واژه‌ها به‌خصوص برای علوم طبیعی باید بتوانند رابطه‌ای سیستماتیک [نظام‌مند] با یکدیگر داشته باشند؛ مثلاً با واژه Bio که از کلمه bíos در زبان یونانی گرفته شده است، بیش از ۲۰۰ ترکیب ساخته شده است، چرا فرانسوی‌ها با کلمه vie یا انگلیسی‌ها با کلمه life این کار را نکرده‌اند؛ این زبان سپس به‌عنوان زبان بین‌المللی علم شناخته می‌شود؛ اما در زبان فارسی گمان بر این است که باید این واژه‌ها ترجمه بشوند، گاهی این ترجمه‌ها موفق هم می‌شوند؛ ولی گاهی هم موفق نمی‌شوند.

چرا ما به دنبال زبان‌های فرانسوی و انگلیسی هستیم و چرا به دنبال زبان چینی یا هندی نیستیم؛ چون آن‌ها نوعی تکنولوژی زبانی ایجاد کرده‌اند. ما اوایل فکر می‌کردیم تمامی کلمات را باید ترجمه کرد و بعدتر سعی می‌شد تا حتی از کلمات عربی هم استفاده نکنیم؛ اما این راه در نهایت به بن‌بست رسید. باید پرسا بود و پرسید که چرا اروپایی‌ها به دنبال زبان لاتینی رفته‌اند و چرا تنها به زبان خودشان قناعت نکرده‌اند؟ این سؤالات هنوز هم آن‌طور که باید طرح نشده و من به این موضوع در کتاب زبان باز اشاره کرده‌ام.

- مثلاً در موسیقی کلمه آرتیکولاسیون (Articulation) را مفصل‌بندی ترجمه می‌کنند، با توجه به اینکه کلمه آرتیکولاسیون برای بسیاری از هنرجویان و استایید کلمه‌ای جاافتاده است، به نظر شما آیا باید این کلمه ترجمه بشود یا خیر؟

+داریوش آشوری: همان‌طور که گفتیم، حکم باید یا نیابدی نمی‌شود برای ترجمه در نظر گرفت. باید توجه داشته باشید کجا ممکن است و کجا نه و اگر می‌شود چطور ممکن است، همین‌طور به تجربه مترجم نیز بستگی دارد.

- آیا املائی واژگانی که به شکلی مرسوم شده‌اند که به تلفظ غلط کلمه منجر می‌شوند را می‌شود تغییر داد؟ (مثلاً باروک به بارک)

+داریوش آشوری: این مشکل مصوت کوتاه «-» و مصوت بلند «او» است که گاهی از مصوت «او» بلند برای مصوت کوتاه «-» نیز استفاده شده است. خود من هم سعی می‌کنم که از این دو مصوت به‌طور درست استفاده کنم.

باید به این نکته هم توجه داشته باشیم که تا چند دهه اخیر برای چاپ کتاب‌ها از حروف چینی دستی استفاده می‌شد و اضافه کردن مصوت‌ها برای حروف چین کار ساده‌ای نبود و باعث می‌شد که فاصله بین خطوط و در نتیجه تعداد صفحات افزایش یابد، همین‌طور کار صفحه‌بندی را هم پیچیده‌تر می‌کرد؛ اما حالا نوشتن مصوت‌ها با کامپیوتر بسیار ساده شده است و می‌توانید از آن‌ها به درستی استفاده کنید.

+داریوش آشوری: اولین و سخت‌ترین کتابی که من با آن گلاویز شدم و بسیار عمر و زمان برد، ترجمه کتاب چنین گفت زرتشت از نیچه بود. در ۱۶ یا ۱۷ سالگی بود که اولین بار با این کتاب برخورد کردم و در آن زمان فکر می‌کردند که این کتاب درباره عقاید زرتشت ایرانی بوده که تصویری است تماماً نادرست. اولین بار این کتاب از انگلیسی توسط حمید نیره نوری ترجمه شد که خیلی ترجمه خوبی نبود؛ اما لحن و زبان نیچه‌گون کتاب برایم بسیار جالب بود. بیست ساله بودم که در کتاب‌فروشی ساکو با متن انگلیسی کتاب برخورد کردم و آن را خریدم و اسم زرتشت اول از همه مرا جذب کرد. به خوبی متوجه متن کتاب نمی‌شدم و فکر می‌کردم که ترجمه آن فهمش را برایم ساده‌تر خواهد کرد؛ اما کم‌کم این کتاب مرا مجذوب خودش کرد و حل مشکلات زبانی آن و پیدا کردن زبانی سبک‌دار برای این کتاب برایم جالب و آموزنده بود، تا جایی که برای درک بهتر متن چند ترمی هم زبان آلمانی خواندم تا بتوانم متن اصلی کتاب را هم بررسی کنم. ترجمه اول این کتاب برای من ۶ سال زمان برد؛ اما باز هم متن کتاب جای کار داشت تا نهایتاً پس از ویراست سوم و گذشت حدود ۲۰ سال، ترجمه آن چیزی شد که من خودم آن را می‌پسندیدم.

[سخن آخر]

در آخر شایسته است تا از کاوه دهقان برای هماهنگی و فراهم آوردن این فرصت تشکر کنم. این گفت‌وگو در تاریخ ۲۰/جوان/۲۰۲۳ در پاریس به میزبانی آرش احمدزاده و کاوه دهقان صورت گرفته است. همچنین از بامداد خوشقدمی و آریا طاری برای رهنمودها و کمک بی‌دریغ‌شان در تکمیل و نگارش این متن سپاسگزارم.

[لازم به ذکر است که نباید استثناء زبان فارسی؛ یعنی نگارش مصوت کوتاه «-» در آخر کلمات به شکل حرف مستقل را با گفته آقای آشوری در بالا یکی دانست. از آنجایی که موضوع نگارش و دستور زبان فارسی خارج از تخصص نگارنده این مصاحبه است، نظر ناصر احمدزاده، دکترای ادبیات فارسی و استاد ادبیات فارسی دانشگاه هنر تهران را در این‌باره پرسیدم.]

+ناصر احمدزاده: نگارش بیان به جای بیان نوعی هنجارشکنی تاریخی زبان فارسی است؛ چراکه این استثنا در سیر تطور زبان فارسی پذیرفته شده و این موضوع تنها به کلمات تخصصی موسیقی مختص نمی‌شود. برای مثال، کلمه خسرو قدمتی چند هزار ساله دارد. از سوی دیگر، این نگارش در میان شاعران فصیح زبان فارسی مورد استفاده قرار گرفته و پذیرفته شدن یک کلمه در جامعه خود نوعی معیار است. در آخر، اعراب‌گذاری بیش از اندازه، زبان فارسی را بیشتر به زبان عربی نزدیک می‌کند و باعث سخت‌خوانی متن می‌شود.

[شناخت درست زبان فارسی، خود به اندازه زبان‌های مبدا ترجمه مهم است. از همین جهت از آقای آشوری پرسیدم چه کتاب‌هایی را برای بهتر شدن زبان فارسی پیشنهاد می‌کنند و ایشان چهار کتابی که در ادامه آمده را پیشنهاد کردند.]

- ❖ شاهنامه، فردوسی
- ❖ بازان‌دیشی زبان فارسی، آشوری
- ❖ زبان باز، آشوری
- ❖ نقد خرد ناب، ادیب‌سلطانی

-توصیه داریوش آشوری به مترجمان جوان چیست؟

+داریوش آشوری: راه اول خواندن است، خواندن ادبیات کلاسیک و اشعار فارسی. زبان فارسی از نظر زیبایی‌شناسی، زبان بسیار پرورده‌ای است. همین‌طور تأمل و بررسی آثار چهار یا پنج نسل از مترجمانی که از دوره قاجار تا امروز کار کرده‌اند؛ مثلاً بررسی اینکه چرا آشوری، دریابندری یا قاضی به این صورت ترجمه کرده‌اند.

داشتن ذوق زبانی هم در ترجمه تأثیرگذار است؛ مثلاً در کتاب شه‌ریار از ماکیاولی چند ترم [اصطلاح] جنجال‌برانگیز برای ترجمه وجود دارد؛ از جمله *virtu* و *fortuna*؛ این دو کلمه چون از نظر ترمینولوژی [اصطلاح‌شناسی] مهم هستند، باید برای ترجمه آن‌ها واژه‌های خاصی پیدا کرد. من حتی برای این دو کلمه به سفارت ایتالیا هم رفتم و در نهایت واژه مناسب را در شاهنامه پیدا کردم که بسیار هم باعث زیبایی و پرباری متن شد: «هنر و بخت» که فردوسی بارها از این دو در مقابل هم استفاده کرده‌است. ترجمه را باید به دید هنر نگاه کنند، جایی که هم ذوق و هم دانش باهم هم‌دستی می‌کنند.

-پرچالش‌ترین کتابی که ترجمه کردید کدام عنوان است؟



A conversation with Dariush Ashuri Persian language facing music

Arash Ahmadzadeh

Email: ahmadzadeh.arash@yahoo.com

Abstract

In recent decades, increasing requests for music learning have led to the translation and compilation of many books in this field. So, vocabulary selection and spelling have become critical challenges for translators and authors of music books. This issue has been a subject of discussion among many music experts. However, in some cases, uninformed approaches to this challenge have caused a writing and historical disruption in the Persian language. Therefore, in this conversation with Dariush Ashuri (born in 1938 in Tehran), the writer, intellectual, linguist, and translator, we are dealing with the frequent questions of music enthusiasts about this subject. He has assisted in improving the writing style and enriching the range of vocabulary in the Persian language in the areas of social science and modern philosophy. He has applied new combined vocabularies such as *Goft* (to say) + *Goo* (to listen) = *Goftemân* (discourse); *Hāmeḥ* (all) + *Porsi* (asking) = *Hāmeḥporsi* (referendum); *Ârmân* (ideal) + *Shahr* (city) = *Ârmânshahr* (utopia); *Rāḥ* (the way) + *Yâft* (finding) = *Rāhyâft* (approach); *Hārزه* (porno) + *Negâri* (to graph) = *Hārزهnegâri* (pornography); *Dârs* (lesson) + *Goftâr* (vocal) = *Dârsgoftâr* (lecture) in his works, which have not already had any equivalent in the Persian language.